

نظارت استصوابی علیه حقوق بشر

روزنامه شرق - ۲۲/۱۰/۱۳۸۲ برابر ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ سرمقاله

در دهه گذشته، موضوع نظارت استصوابی از جدال برانگیزترین موضوعات سیاسی کشور بوده است و همچون گلوگاه یا شاه‌رگ حیاتی نیروهایی است که از سپردن خویش به داوری آزادانه جامعه بیمناکند و ساختار سیاسی را به وسیله نظارت استصوابی به انسداد کشانیده‌اند.

نظارت استصوابی از زوایای گوناگونی مورد نقد قرار گرفته است. حقوقدانان از منظر حقوقی و نخبگان جناح چپ حاکمیت مانند حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی و هم‌اندیشان وی با بیان مخالفت‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی با نظارت استصوابی آن را مخدوش قلمداد کرده‌اند، در حقیقت به جز جناح مسلط حاکمیت که بقای قدرت بدون مشروعیت مردمی را در گرو پافشاری بر نظارت استصوابی می‌دانند، هیچ حامی دیگری برای آن وجود ندارد. نگارنده نیز از منظر سیاسی و نیز اینکه استصواب ناقض قانون اساسی ج.ا و قوانین عادی ایران است در کتاب حقوق مخالفان به تفصیل سخن گفته اما آنچه اکنون اهمیت ویژه‌ای به موضوع می‌بخشد این است که اولاً نظارت استصوابی نقض آشکار حقوق بشر است و ثانیاً با توجه به اینکه حقوق بشر به سرعت به پایه حقوق بین‌الملل تبدیل می‌شود و سیاست جهانی را به دنبال خود می‌کشد، پیامدهای اقتصادی، امنیتی و سیاسی مهمی برای ایران دارد.

۱ - در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید. اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقی نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تامین نماید.»

دو نکته کلیدی مندرج در ماده ۲۱ این است که نمایندگان باید آزادانه انتخاب شده باشند و نیز مساوات رعایت شده باشد. برخی از مواد دیگر اعلامیه مفسر و مکمل ماده ۲۱ است. ماده ۱۸ می‌گوید «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن تغییر مذهب یا عقیده... می‌باشد.» ماده ۱۹ نیز تصریح دارد که «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و رضایی نداشته باشد.»

بنابراین از پیوند مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ چنین به دست می‌آید که انتخاب آزادانه و رعایت تساوی شهروندان و نیز برابری در برابر قانون، مستلزم این است که عقاید سیاسی و مذهبی هیچ کس حق نمایندگی وی را سلب نکند. نمی‌توان بر اساس دیدگاه‌های عقیدتی و سیاسی افراد حقوق شهروندی آنان که شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است را تعیین ساخت. عدم اعتقاد یا عدم التزام یک فرد به یک موضوع عقیدتی آن هم یک موضوع متنازع فیه (مانند ولایت فقیه) هیچگونه مداخلتی در صلاحیت یا عدم صلاحیت وی برای نامزدی انتخابات ندارد. حاکمان یک کشور مانند کارمندان و مستأجران ملکی هستند

که مالک آن مردمند و شهروندان باید صلاحیت یا عدم صلاحیت آنان را از طریق رأی و انتخاب آزادانه تعیین کنند و سپردن این تشخیص به یک گروه (آن هم گروهی غیرمنتخب توسط رأی مستقیم مردم) قیومت و قیم‌مآبی و اهانت به شهروندان است. دستگاه‌های مسئول انتخابات صرفاً مجازند و می‌توانند محکومان به جرایم کیفری و سنگین را از نامزدی محروم کنند که طبق ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی این محرومیت اجتماعی نیز نامحدود نبوده و از ۲ سال تا حداکثر ۵ سال است. جمهوری اسلامی جزو امضاء کنندگان میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی است و طبق این میثاق کشورهای عضو موظف هستند که قوانین اساسی و عادی خویش را مطابق با اعلامیه جهانی حقوق تنظیم کنند. از این‌رو، نظارت استصوابی موجب نقض حقوق بشر، نقض تعهدات بین‌المللی ایران و پایمال ساختن حقوق طبیعی شهروندان است.

۲ - علاوه بر این شرایط کنونی جهان نسبت به گذشته دستخوش تحولات عمیقی گردیده و امروز کشورهای متهم به نقض حقوق بشر در معرض مجازات‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند و کشورهایی که انتخابات آزاد و دموکراتیک در آنها برگزار نشود، دولت و حکومت آن نماینده مشروع و قانونی مردم تلقی نمی‌شوند و در برابر تهدیدات آسیب‌پذیر می‌شوند.

هنگامی که گرسیوس هلندی در قرن ۱۷ اندیشه مداخله بشردوستانه را مطرح کرد و گفت استفاده از زور به وسیله یک یا چند دولت برای متوقف کردن بدرفتاری دولتی نسبت به اتباع خویش در صورتی که این بد رفتاری وجدان جامعه جهانی را تکان دهد مشروع و قانونی است، نظریه او بسیار شاذ شناخته می‌شد. نقش قاطع مرزهای جغرافیایی و اصالت به حاکمیت ملی و استقلال دولت‌ها حتی اگر با شهروندان خویش بدرفتاری کنند.

چنان بود که این نظریه غیرمنطقی جلوه می‌کرد اما معاهدات متعدد بین‌المللی در زمینه لغو بردگی، حقوق اقلیت‌ها، نظام بین‌المللی کار، حقوق بیگانگان و اتباع خارجی و سرانجام اعلامیه حقوق بشر جامعه جهانی را به جایگاهی رسانیده است که در آغاز هزاره سوم و فروریختن تاثیرات سنتی مرزها و به واسطه تکنولوژی ارتباطات دو سویه جهانی، مداخله در امور کشورها برای جلوگیری از نقض حقوق بشر مشروعیت یافته است. تشکیل دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به شکایات شهروندان دیگر کشورها نسبت به نقض حقوق بشر که در تیرماه ۱۳۸۱ اعلام موجودیت کرد یکی از گام‌های مهم در این زمینه است و با به حد نصاب رسیدن کشورهای عضو صلاحیت رسیدگی به شکایات شهروندان کشورهای غیر عضو را نیز کسب خواهد کرد. پیش از آن نیز تصمیمات و قطعنامه‌های بین‌المللی متعددی با مضمونی مشابه صادر شده است. سازمان دولت‌های آمریکایی در قطعنامه مربوط به دموکراسی انتخاباتی در ۱۹۹۱ متعهد شده است که در صورت قطع فرایند دموکراتیک در هر یک از دولت‌های عضو، اجلاس سیاسی عالیرتبه‌ای را به فاصله ده روز سازماندهی کنند تا با آن مقابله نماید. اما این تصمیمات امروزه فراتر از کشورهای هم‌پیمان شده و در خصوص گرجستان و یوگسلاوی سابق سازمان ملل متحد انتخابات انجام شده را نپذیرفت و آن را بی‌اعتبار دانست و در هر دو کشور تحولات سیاسی شدیدی رخ داد. شورای امنیت سازمان ملل مجوز توسل به زور را علیه کشورهایی که امنیت جهانی را تهدید کنند صادر کرده و آخرین اقدامات بین‌المللی نظامی علیه افغانستان و عراق صورت گرفت. اکنون باور سیاستمداران و روشنفکران جهان این است که در کشورهایی که دموکراسی رعایت نشود استعداد رشد سازمان‌های تروریستی و دولت‌های اقتدارگر که عامل تهدید ثبات و امنیت جهان هستند وجود دارد.

با توجه به شرایط کنونی و به ویژه آن که به گفته نماینده ایران در سازمان ملل از آن جا که هر یک از کشورهای جهان به نحوی از ناحیه ایران متضرر شده و نسبت به آن موضع دارند و خواهان برچیدن نظام حکومتی ایران هستند، مسایلی چون وجود زندانیان عقیدتی - سیاسی و مطبوعاتی و انتخابات می‌توانند به روندی مشابه پروتکل الحاقی علیه ایران تبدیل گردند به ویژه انتخابات که از نظر وجدان بشری مظهر دموکراسی و رعایت حقوق بشر است. بنابراین نظارت استصوابی و رد صلاحیت‌های نامزدهای مجلس که حتی از دیدگاه قوه مجریه و مقننه نیز به شکل غیرقانونی و برخلاف قوانین داخلی نیز هست می‌تواند پیش‌درآمد تهدیدات بین‌المللی شود. حتی پیش از شکل‌گیری روابط نوین بین‌الملل مبتنی بر حقوق بشر در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (یعنی بلافاصله پس از ماده ۲۱ که درباره حق انتخابات آزاد بدون نظارت استصوابی است) آمده است که «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را ... به دست آورد.» این ماده حق افراد را برای جلب همکاری بین‌المللی به منظور به دست آوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته است.

انتخابات شوراها که آزادترین انتخابات تاریخ ایران و بدون هر گونه نظارت استصوابی بود نشان داد که چنین انتخاباتی خطری برای کشور ندارد و ایرانیان از راه جنبش اجتماعی اصلاحی و مسالمت‌آمیز می‌خواهند به هدف‌های خود دست یابند. انتخابات مجلس ششم نیز نشان داد فقط جناح استبدادخواهی است که از یک پارلمان مردمی رنج می‌برد و هیچ زیان و خطری متوجه کشور و حتی نظام سیاسی نمی‌شود و بلکه نظام سیاسی را اصلاح می‌نماید. اعمال نظارت استصوابی و رد گسترده صلاحیت‌ها علاوه بر هدم آخرین بقایای حیثیت، اعتبار و مشروعیت جناح مسلط، پایه اجماع داخلی و بین‌المللی علیه نیروهای اقتدارگرا را فراهم ساخته و زمینه مداخلات سازمان ملل را به استناد حقوق بشر به وجود می‌آورد. انتخابات آزاد یگانه راهی است که به سود منافع ملی و همچنین شهروندان و جناح‌های سیاسی و از جمله جناح محافظه‌کار خواهد بود.